

جایگاه و نقش امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

حمید دهقانی^۱

^۱ کارشناس سیاسی و امنیتی، استانداری سمنان، سمنان، ایران
hh.dehghani@yahoo.com

چکیده

به ندرت کسی پیدا می‌شود که منکر اهمیت مسئله امنیت، خواه در سطح فردی یا ملی و بین‌المللی، در بین مسائلی که بشر با آن‌ها روبه‌روست، گردد. امنیت ملی در این بین، حالت محوری دارد. به منظور درک صحیح مسئله امنیت ملی بایستی ابتدا مفهوم امنیت را دریابیم. جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود، مانند دیگر کشورها، در پی تعقیب و تأمین ارزش‌ها و اهدافی است که بر اساس نیازهای حیاتی، آمال و آرمان‌های خود تعریف می‌کند. از این رو این‌که جمهوری اسلامی امنیت ملی خود را در سیاست خارجی و جهت‌گیری بین‌المللی چگونه تعریف می‌کند، هم برای دولتمردان و هم برای دانشجویان موضوعی مناقشه برانگیز بوده است. در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش هستیم که امنیت ملی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی چه تأثیراتی داشته است. بررسی نظریه‌ها در حوزه امنیت نخستین گام در راه فهم و تبیین مسئله است. سپس به دنبال تعریف و روشن ساختن عوامل موثر بر امنیت ملی در پنج سطح «منابع فردی»، «منابع نقش‌گرایانه»، «منابع حکومتی»، «منابع ملی» و «منابع خارجی» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده ایم؛ که هر کدام زیرمجموعه‌هایی در بطن خود دارند. و در نهایت دوره‌های گفتمانی امنیتی ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی را ترسیم نموده و شاخص‌های آن را در چهار محور «اصول و اهداف امنیت ملی»، «جایگاه قدرت ملی»، «تهدیدات امنیت ملی» و «سیاست‌های امنیت ملی» بررسی و مطالعه کرده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: امنیت ملی، سیاست خارجی، قدرت ملی، تهدیدات امنیت ملی.

۱- مقدمه

احساس امنیت همان گونه که جزء بدیهی‌ترین نیاز هر انسان تلقی می‌گردد از اساسی‌ترین احتیاجات هر جامعه نیز محسوب می‌شود. برای هر ملتی آرمانی‌ترین حکومت، دولتی است که بتواند بالاترین احساس امنیت را برای شهروندان به ارمغان آورد و هر دولتی نیز در وهله اول می‌کوشد تا نسبت به بقاء و استمرار قدرت خویش اطمینان یابد. در هر گونه گفتمان امنیت ملی می‌باید از یک سو ایجاد آرامش خاطر برای شهروندان مورد همت قرار گیرد و از سوی دیگر تلاش گردد تا اقتدار ملی در پرتو "امنیت دولت"، تجلی یابد. اهمیت این مسئله مخصوصاً برای حکومت‌های دینی دو چندان می‌گردد. پیروی از اصول قدرت و واقع‌نگری در کاربست امنیت ملی برای بسیاری از حکومت‌های غیر دینی، زمینه را برای ایجاد مانور بیشتر و تغییرهای نسبی تر از این مفهوم فراهم می‌سازد ولی این مسئله برای حکومت‌های دینی با محدودیت فراوانی مواجه می‌گردد (۱).

در حوزه مسائل امنیتی نظریه پردازان تعاریف مختلفی را از امنیت ارائه داده‌اند. توجه به این نکته لازم است که در بین متفکران این حوزه اجماعی در زمینه تعریف این مفهوم ندارند و هر یک با توجه به نظام معنایی خود اقدام به تعریف آن کرده‌اند. همین امر سبب شده تا تعاریف این حوزه به طور پیوسته روزآمد شده و وجوه جدیدی به آن اضافه شود. این امر تا حدودی وابسته به توسعه مفهوم امنیت در دنیای امروز است. از نظر تاریخی امنیت ملی پس از جنگ دوم جهانی وارد مطالعات این حوزه گشت. برخلاف زمان زیادی که از ورود این مفهوم به عرصه مطالعات امنیتی می‌گذرد. از آنجا که این مفهوم پیچیده است، تعریف آن امری بسیار سخت محسوب می‌شود و میان اندیشمندان نیز نظر واحدی در این حوزه وجود ندارد. تعاریف این حوزه همچنان ابهام دارند نسبی بودن مفهوم امنیت ملی و وجوه متعدد انتزاعی در کنار این ابهام موجب شده تا نگرش‌ها و برداشتهای متفاوتی از آن ارائه شود. گفتمان سنتی با محور قرار دادن دولت در مطالعات خود، امنیت ملی را به شرایطی توصیف می‌کند، دولت از طریق ابزارها و توانایی‌های نظامی به دنبال تأمین امنیت کشور است. تهدید نظامی بارزترین وجه مقابله‌ای امنیت ملی کشورها به شمار می‌رود. طبق این تعریف امنیت ملی از جانب تهدیدات خارج از مرزهای ملی مورد مخاطره قرار می‌گیرد. وجه مشخص این برداشت از امنیت ملی نگرش سلبی آن است (۲).

گفتمان مدرن از اهمیت و نقش دولت می‌کاهد و به جای آن عوامل اجتماعی درون دولت را مهم‌ترین عامل در ملاحظات امنیت ملی به حساب می‌آورد. گفتمان مدرن با انتقاد از نگرش سنتی تهدیدات خارجی را اصلی‌ترین عامل سلب امنیت نمی‌داند بلکه حوزه‌های درونی جامعه را در پیدایش تهدیدات مورد مذاقه قرار می‌دهد. بنابراین قوای نظامی امنیت پایدار را به همراه ندارد بلکه نیروهای نظامی ظرفی را برای امنیت ملی فراهم می‌کنند که پرداختن به زمینه‌های درونی، امنیت مظلوم آن برای تحقق امنیت ملی پایدار است. در این گفتمان امنیت صرفاً به نبود تهدید تعبیر نمی‌شود و به وجوه تاسیسی آن بیشتر توجه شده است. بر این اساس دکتر افتخاری در مقاله "امنیت در حال گذاره تحول معنای امنیت در قرن بیست و یکم" امنیت ملی را این گونه تعریف کرده‌اند:

امنیت ملی مجموع توانمندی‌های طبیعی، بهره برداری و راهبردی یک نظام برای دستیابی به "منافع ملی را شامل می‌شود که مقدمه آن نبود تهدید" است؛ اما صرفاً در آن خلاصه نمی‌شود (۳).

جمهوری اسلامی به عنوان داعیه دار حکومت اسلامی که در قالب کلان حکومت‌های دینی قابل بررسی و مطالعه می‌باشد، تجربه جدیدی از حکومت‌داری و تعامل دولت و ملت را به عرصه ظهور رسانده است. در این میان نگرش این حکومت به مسئله امنیت ملی در سیاست خارجی خواه ناخواه با اندیشه‌های اسلامی از یک طرف و تحولات جدید اندیشه‌ای و حکومتی از طرف دیگر دارای پیوند و تعامل می‌باشد. جمهوری اسلامی از یک طرف می‌بایست رابطه خود را با مفهوم امنیت و امنیت ملی در اسلام روشن نماید و از طرف دیگر بعنوان یک کشور با مرزهای ملی مشخص درک خویش را از امنیت ملی پیش‌برد و به عنوان یکی از بازیگران بین‌المللی و مسئول حفظ حاکمیت ملی در درون مرزهای ملی و جامعه بین‌المللی، به ناچار باید فهمی دقیق از مفاهیمی نظیر امنیت ملی و منافع ملی در عرصه سیاست خارجی ارائه نماید. در پژوهش حاضر در پی آن هستیم که با تمرکز بر گفتمان‌های امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تحول آن در دوره‌های مختلف به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم حوزه سیاست خارجی کشور، عوامل و شاخص‌های موثر بر آن را تبیین می‌نماییم.

۲- روش انجام پژوهش

نوع پژوهش نظری-کاربردی است. روش مورد استفاده نیز توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری مطالب از روش اسنادی استفاده شده است. توضیح آن که نوشتگان موجود در خصوص امنیت، امنیت ملی و گفتمان‌های امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تا حد بسیار زیادی پاسخگوی نیاز پژوهشگر در تحقیق بوده است.

۳- یافته‌ها

جایگاه امنیت ملی در اهداف ملی

سوال اصلی در زمینه رابطه این دو مفهوم که ذهن پژوهشگران را به خود مشغول کرده این است که، آیا امنیت ملی بخشی از اهداف ملی است؟ و یا امنیت ملی مسئولیت حفاظت از اهداف ملی را بر عهده دارد؟ پاسخهای متفاوت به سوال فوق ممکن است نتایج متناقضی به همراه داشته باشد. اگر امنیت ملی را بخشی از اهداف ملی فرض کنیم در نتیجه حالتی متصور است که کشوری امنیت ملی ندارد ولی در سطوح دیگر اهداف ملی خود را تامین کرده و پیگیری میکند وضعیتی که شاید در نگاه اول کمی غریب به نظر برسد. در پاسخ به سوال دوم باید به این نکته توجه داشت که امنیت ملی به صورت ابزاری ملموس نیست که به وسیله آن بتوان اهداف ملی را محافظت کرد. این امر به دلیل ورود و غلبه وجوه نرم افزاری در امنیت ملی است. چیزی که در جوامع امروز مهم جلوه می کند، احساس امنیت و اطمینان خاطر است. به نظر میرسد که میتوان رابطه کل و جزء که در منافع ملی و امنیت ملی جاری است را به این بخش هم تسری داد. شاید این طبقه بندی از اهداف ملی چندان مسبوق به سابقه نباشد اما میتوان اهداف ملی را نیز در سه سطح حیاتی مهم و عادی تقسیم کرد و امنیت ملی را در زمره اهداف حیاتی ملی جای داد. در اینجا ذکر دو نکته ضروری است اول توسعه امنیت ملی کشور و بسط آن به حوزه‌های مختلف میتواند به جایی بیانجامد که گستره امنیت ملی تمام اهداف ملی را در بر بگیرد این گرایش لزوما امری مثبت تلقی نمی‌شود و حتی تهدید را نیز هست. دایره اهداف عادی و مهم پیوسته در معرض تهدید و خطر اند و حضور ملاحظات امنیت ملی در آن سطوح میتواند مشکلات و هزینه های متعددی را بر بازیگران بار کند. دوم؛ به رغم حیاتی بودن امنیت ملی در دایره اهداف ملی پیگیری اهداف ملی در هر سطحی به تقویت امنیت ملی می انجامد. این امر تفاوت منافع ملی و اهداف ملی است (۴).

سیاست‌های امنیت ملی در گفتمان حفظ محور در سیاست خارجی

حکومت‌های آرمان‌گرا همواره در کشاکش با آرمان و واقعیت در حرکت‌اند. این یک اصل پذیرفته شده است که میان آرمان و ایدئولوژی و واقعیت تعامل وجود دارد و نه ضرورتاً تعارض این تعامل دوسویه است و هم آرمانها بر واقعیت اثر گذارند و هم واقعیت آرمانها را جرح و تعدیل می‌کند. بر این اساس توجه به مقتضیات زمان و تعامل آرمان و واقعیت در فرایند سیاست گذاری ها نه تنها عدول از ارزش‌ها محسوب نمی‌شود، بلکه اگر در مسیر درست قرار بگیرد به تقویت ارزش‌ها نیز کمک خواهد کرد. جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. همان طور که انتظار می‌رفت در دوره جنگ علی رغم مطرح بودن اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی که در دوره قبل به راس اولویت‌های نظام تبدیل شده بود، از شدت و گستره آن کاسته شد.

به این معنی که اگر چه هم چنان بسط ارزش‌های انقلاب اسلامی برای مسئولان اهمیت والایی داشت، ولی با توجه به مشکلات و تهدیدات دوره جنگ عملاً امکان پیگیری اهداف دوره قبل به صورت گسترده و فراگیر فراهم نبود. در این دوره حتی فرصت کافی برای پرداختن به وجوه دیگر در درون کشور نیز به قدر کافی وجود نداشت. مسائل سیاسی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی جامعه نیز تحت اقتضای شرایط موجود به حاشیه رانده شده بود (۵).

نکته ای که این بین جلب نظر می‌کند تاثیرات متضاد جنگ بر سیاست‌های کشور بود از طرفی جنگ موجب تقویت احساسات و گرایش‌های آرمانی و ایدئولوژیک شده بود. اتحاد و همدلی برای مقابله با تجاوز و پیروزی بر دشمن متخاصم که آشکارا حمایت آمریکا را نیز با خود میدید، تشدید ماهیت و نگرش ایدئولوژیک در عرصه های نظامی و رفتاری به دنبال داشت. از طرف دیگر اگرچه تفکرات ارزشی و آرمانی در بطن جامعه وجود داشت، ولی الزامات و اقتضات جنگ تحمیلی به خصوص میان

تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران نوعی نگرش عملگرایانه را جاری می‌کند. با توجه به محدودیتها و مشکلات پیش رو و جدیت تهدید تجاوز این امر طبیعی به نظر می‌رسد. تصمیم‌گیری در سطح سیاسی و امنیتی همواره تابعی از آرمان‌ها نیست و نگرش آرمانی صرف نیز نوعی افراط محسوب می‌شود. برای پیشبرد کشور در شرایط بسیار دشوار جنگ ترکیبی از آرمان و واقعیت نیاز بود تا منافع جمهوری اسلامی با نگاهی به آرمانها تامین شود. فلذا تسری دیدگاهی واقع‌گرایانه با سنجش میان مقدرات و آرمانها در سطح تصمیمات ناگزیر به نظر می‌رسید. این امر به ویژه در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ عیان بود. مسئولان با وجود شعارها و تفکرات آرمانی، با تعریف خطوط قرمز جمهوری اسلامی در محدوده منافع و مصالح ملی پای در مسیری جدید گذاشتند. مسلماً نباید از آن به نفی ارزشهای انقلابی یاد کرد بلکه این وقایع حاکی از نوعی عملگرایی و واقع‌گرایی نسبی در برخورد با سیاست‌های انقلابی است (۶).

اگر چه تفکرات است محور و سیاست‌های صدور انقلاب از سیاست‌های نظام محو نشده بود ولی جنگ محدودیتهای زیادی را در مسیر حرکت و تحقق بر آن بار می‌کرد. در این دوره بخشی از توان جمهوری اسلامی در به رسمیت شناخته شدن از جانب نهادهای بین‌المللی و فتح باب تعامل با کشورها صرف می‌شد. ضمناً تلاش میشد به جهانیان بنمایاند که تضعیف و نابودی انقلاب از جانب آنان ترتیب اثر نخواهد یافت. به این موارد می‌شود محاسبات عینی تری همچون سیاست‌های امنیت ملی مستخرج از الزامات خلیج فارس و منطقه و توجه به تاثیر نفت در تعیین معادلات اشاره کرد.

سیاست‌های امنیت ملی در گفتمان عدالت محور در سیاست خارجی

براساس اصول پیش‌گفته سیاست خارجی و امنیت ملی در گفتمان عدالت محور سیاست‌های امنیت ملی در این گفتمان را می‌توان در بخشهای ذیل تقسیم‌بندی کرد:

الف. تغییر روابط و تعاملات با غرب

در این دوره بر مبنای ارزیابی تجربیات سیاست خارجی در دوران سازندگی و اصلاحات، رویکرد ویژه‌ای به روابط بین‌الملل و مناسبات با غرب اتخاذ شد براساس یک ارزیابی از تعامل ۱۶ ساله ایران با غرب و بهره‌گیری از تجربیات این تعاملات زمینه‌ای فراهم شد تا جهت‌گیری نظام با غرب رویکرد جدیدی را طراحی نماید. این گفتمان با نقد سیاست‌های تنش‌زدایی و عادی سازی روابط با غرب، این گونه ارزیابی می‌کرد که علی‌رغم پذیرش برخی مطالبات و خواسته‌های آنان تبلیغات سوء اتهامات بی‌پایه و رفتارهای خصومت‌آمیز و دشمنی با جمهوری اسلامی استمرار یافت.

بر این اساس، جمع‌بندی جمهوری اسلامی از عملکرد غرب با جمهوری اسلامی ایران این است که کشورهای غربی بیش از آنکه در پی تنش‌زدایی و همزیستی باشند درصدد تسلیم و تمکین ایران اند. این نتیجه‌گیری باعث گردید تا جمهوری اسلامی سیاست تقابلی در برابر غرب در پیش بگیرد. اوج مواجهه و مقابله با غرب در پرونده هسته‌ای نمودار گشت به گونه‌ای که آمریکا با حمایت اروپا پرونده را به شورای امنیت فرستاد که به صدور قطعنامه‌های متعددی مبنی بر تحریم جمهوری اسلامی منجر گردیده اما جمهوری اسلامی کماکان در برابر فشارهای آمریکا و اروپا در حوزه‌های مختلف ایستادگی و مقاومت کرد (۷).

ب. سیاست نگاه به شرق

بازنگری جمهوری اسلامی در روابط خود با غرب در اثر بی‌اعتمادی به اروپا عدم تأمین اهداف مورد نظر و استمرار دشمنی آمریکا باعث گردید تا سیاست خارجی ایران در صدد متنوع‌سازی روابط بر آید. یکی از مهم‌ترین تجلیات رفتاری این تنوع‌سازی سیاست نگاه به شرق بوده است. علل و انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک متعددی این را به اتخاذ سیاست نگاه به شرق واداشته است متوازن سازی روابط و مناسبات سیاسی با غرب از طریق ایجاد تعادل بین سیاست گرایش به غرب و سیاست نگاه به شرق یکی از اهداف سیاسی این راهبرد است. ضمن اینکه متنوع‌سازی روابط با سایر مراکز قدرت جهانی و به ویژه شرق، غرب را به تجدیدنظر در روابط با ایران وادار خواهد کرد.

در حوزه‌های راهبردی نیز دولت جمهوری اسلامی دو هدف مهم را در سیاست نگاه به شرق پیگیری می‌کند. نخست، جمهوری اسلامی در صدد توازن سازی ضد هژمونیک در برابر هژمونی آمریکا از طریق مخالفت با نظام بین‌الملل تک‌قطبی و تلاش برای استقرار نظم چندقطبی است گسترش روابط راهبردی ایران با چین و روسیه نمونه‌هایی از راهکارهای دو جانبه

است تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران بر این اعتقادند که نارضایتی و ناخشنودی چین و به ویژه روسیه از نظام تک قطبی و هژمونی آمریکا، ظرفیت و امکان لازم برای تأمین این هدف را فراهم می‌سازد. دومین هدف راهبردی ایران از اتخاذ سیاست نگاه به شرق پر کردن خلا متحد استراتژیک در سیاست خارجی است. یکی از اهداف سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی یافتن متحد استراتژیک در سطح منطقه ای و بین‌المللی بوده است این هدف به ویژه پس از طرح پرونده هسته ای ایران در شورای امنیت اهمیت یافته است. به گونه ای که جمهوری اسلامی تلاش کرده است در سطوح مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای جنبش عدم تعهد و آمریکای لاتین متحدینی را بیابد. از این رو جمهوری اسلامی ایران در چارچوب سیاست نگاه به شرق در پی یافتن متحد و همکار استراتژیک است. این امر از طریق برقراری روابط و مناسبات راهبردی با دو کشور قدرتمند روسیه و چین تحقق می‌یابد (۸).

با وجود این مهم‌ترین انگیزه رویکرد نگاه به شرق در جمهوری اسلامی تأمین اهداف اقتصادی و فناورانه است. جمهوری اسلامی در دوران سازندگی و اصلاحات برای بازسازی و توسعه اقتصادی در جهت گسترش مناسبات اقتصادی - تجاری با اروپا حرکت کرد. اگر چه در دوران سازندگی نیم‌نگاهی به شرق نیز در دستور کار سیاست خارجی قرار گرفت اما در دوران اصلاحات موازنه به نفع غرب برهم خورد. به طوری که مناسبات ایران و غرب به ویژه اروپا به بالاترین سطح بعد از انقلاب اسلامی رسید به بن بست رسیدن روابط مناسبات اقتصادی - تجاری با اروپا حرکت کرد اگرچه در دوران سازندگی نیم‌نگاهی به شرق نیز در دستور کار سیاست خارجی قرار گرفت اما در دوران اصلاحات موازنه به نفع غرب برهم خورد. به طوری که مناسبات ایران و غرب به ویژه اروپا به بالاترین سطح بعد از انقلاب اسلامی رسید به بن بست رسیدن روابط ایران و اروپا و تشدید خصومت آمریکا بر سر پرونده هسته ای جمهوری اسلامی را بر آن داشت تا با نزدیکی به کشورهای آسیایی جایگزینی برای غرب بیاید چون ایران جهت تأمین اهداف توسعه ای خود در چارچوب مدل توسعه صادرات، نیازمند فناوری، سرمایه و بازارهای منطقه ای و جهانی است، به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز حیاتی است از این رو دولت درصدد گسترش و توسعه روابط اقتصادی - تجاری دو و چند جانبه با کشورهای شرق بر آمده‌است (۹).

ج جهان سوم گرایی

یکی دیگر از مصادیق و مظاهر متنوع سازی مناسبات در سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی، جهان سوم گرایی است جهان سوم گرایی به معنای اولویت و ارجحیت بخشیدن به توسعه روابط با جنبش عدم تعهد و کشورهای در حال توسعه است، البته در چارچوب استراتژی عدم تعهد، گرایش به جهان سوم و جنبش عدم تعهد همواره یکی از ویژگیهای سیاست خارجی ایران پس از انقلاب بوده است؛ اما در این دوره است که جهان سوم گرایی در قالب توسعه و تعمیق روابط با کشورهای جنوب یکی از اصول آن به شمار می‌رود. جمهوری اسلامی از اتخاذ رویکرد جهان سوم، گرایشی اهداف و مقاصدی همانند سیاست نگاه به شرق را پیگیری میکند جمهوری اسلامی خواهان تقویت و توسعه نقش فعال و سازنده جنبش غیرمتعدها در صحنه بین‌المللی جهت شکل دهی به تحولات جهانی است؛ زیرا دوام و بقای جنبش عدم تعهد به عنوان یک بازیگر مؤثر در روابط بین‌الملل در گرو اتحاد همبستگی و مقاومت به منظور ایجاد دنیای قانون مدار و مملو از عدالت و عاری از فقر است. همچنین از آنجا که رمز موفقیت هزاره سوم میلادی عدالت‌خواهی است، غیرمتعدها از طریق عدالت‌خواهی و عدالت‌ورزی قادرند به پیروزی حق طلبان در جهان کمک کنند (۱۰).

د. آمریکای لاتین گرایی

یکی از بارزترین مشخصه‌های گفتمان عدالت محور، توسعه روابط و مناسبات سیاسی - اقتصادی با کشورهای آمریکای لاتین است علل و انگیزه‌های متعددی آمریکای لاتین گرایی را در منظومه امنیت ملی جمهوری اسلامی بر می‌انگیزد نخستین عامل نزدیکی جمهوری اسلامی به کشورهای آمریکای لاتین، ماهیت انقلابی و ضد امپریالیستی آنان است همسویی این کشورها با جمهوری اسلامی زمینه همکاری و ائتلاف ضد هژمونیک و ضد سلطه آمریکایی را بین آنان فراهم می‌سازد حضور ایران در حیات خلوت امریکا امکان ایجاد ضد توازن در حوزه پیرامونی آن را به وجود می‌آورد که میتواند به تعدیل رفتار آن نسبت به

جمهوری اسلامی بینجامد. بنابراین اتحاد و ائتلاف فرامنطقه ای ایران با آمریکای لاتین می تواند زمینه ساز یک بلوک قدرت در جنوب برای مقابله نظام تک قطبی باشد.

هدف و انگیزه دیگر ایران از اتخاذ سیاست آمریکای لاتین گرایی استفاده از امکانات و ظرفیتهای اقتصادی آمریکای لاتین برای تأمین اهداف و منافع توسعه‌ای است. با وجود عدم هم تکمیلی اقتصادهای ایران و آمریکای لاتین، شباهتها و امکانات اقتصادی طرفین زمینه همکاری در حوزه‌های مشترک را مهیا می سازد. به ویژه عضویت دو کشور ایران و ونزوئلا در اوپک و ظرفیت تولید نفت در این کشور به عنوان پنجمین صادر کننده نفت، عرصه بسیار مناسبی برای همکاری دو جانبه است (۱۱). بازنگری دیپلماسی هسته ای

مهم ترین هدف و ارجحیت ایران از مذاکرت هسته ای با سه کشور اروپایی و همکاری با آژانس بین الملل انرژی اتمی در دوره اصلاحات، حفظ چرخه سوخت و فناوری صلح آمیز هسته ای بود. به منظور تأمین این هدف جمهوری اسلامی داوطلبانه پروتکل الحاقی ۲۹۳ را به اجرا در آورد و غنی سازی اورانیوم و فعالیت‌های مربوط به آن را به حالت تعلیق در آورد؛ زیرا ایران امید و انتظار داشت که این اقدامات تضمین دهنده و اعتماد ساز موجب به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته ای آن گردد اما با گذشت زمان و استمرار گفتگوهای جمهوری اسلامی با اروپا و همکاری نزدیک با آژانس آشکار شد که اروپا و آمریکا درصدد دائمی کردن تعلیق و توقف کامل برنامه هسته ای ایران هستند. در حالی که جمهوری اسلامی از همان آغاز مذاکرات هسته ای با اروپا هشدار داده بود که اگر کشورهای اروپایی و آمریکا قصد محروم ساختن ایران از فناوری صلح آمیز هسته ای را داشته باشند در رویکرد هسته ای خود تجدید نظر خواهد کرد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی به بازنگری و بازتعریف دیپلماسی هسته ای خود مبنی بر همکاری بی قید و شرط با آژانس و گفتگوی انحصاری با اروپا پرداخت. دیپلماسی چند وجهی هسته‌ای جدید ایران بر منطق رفتاری اصول عملی و اهداف راهبردی خاصی استوار گردید.

اول، ایجاد توازن بین حق و تکلیف به منظور حفظ فناوری هسته ای صلح آمیز جمهوری اسلامی به مدت سه سال برای اعتماد سازی و اطمینان بخشی تکالیفی خارج از تعهدات بین المللی خود پذیرفت تا به حقوق هسته ای خود در چارچوب آژانس و NPT دست یابد. عدم موفقیت در تأمین این هدف موجب گشت تا ایران در ازای تثبیت حقوق خود وظایف و تکالیف اعتمادساز داوطلبانه را بپذیرد.

دوم به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته ای ایران از جمله غنی سازی اورانیوم برای تأمین سوخت هسته ای جمهوری اسلامی تصریح و تأکید کرد که به هیچ وجه در مورد تعلیق و توقف غنی سازی اورانیوم مذاکره نخواهد کرد و هر طرح و پیشنهادی که در برگیرنده این حق مسلم نباشد را نخواهد پذیرفت (۱۲).

سوم، ادامه مذاکره و همکاری با آژانس جهت شفاف سازی و اعتمادسازی در چارچوب تعهدات بین المللی. چهارم دادن تضمین‌های عینی از طریق مشارکت و مساهمت سایر کشورها در برنامه هسته ای ایران. پنجم، استمرار مذاکرات هسته ای با اروپا بدون هر گونه پیش شرطی مبنی بر نادیده انگاشتن حقوق هسته‌ای ایران ششم گسترش دامنه مذاکرات هسته ای فراتر از اروپا و داخل کردن روسیه چین جنبش عدم تعهد و حتی شورای همکاری خلیج فارس در فرایند گفتگوهای هسته‌ای.

بر مبنای این دیپلماسی چندوجهی و همه جانبه ایران اقدامات مختلفی را صورت داد دولت جمهوری اسلامی ایران کلیات آیین نامه چگونگی مشارکت کشورهای خارجی در برنامه های هسته ای کشور را به تصویب رساند. دبیر شورای عالی امنیت ملی با ارسال نامه برای کشورهای اروپایی تمایل ایران برای از سرگیری مذاکرات را اعلام داشت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تصویب طرحی دولت را موظف کردند. در صورت ارجاع پرونده هسته ای به شورای امنیت فعالیت‌های داوطلبانه از جمله بازرسی سرزده از تأسیسات اتمی براساس پروتکل الحاقی را متوقف سازد. و سرانجام ایران به منظور غنی سازی اورانیوم برای مقاصد تحقیقاتی مهر و موم تأسیسات هسته ای خود را شکست.

اروپا و آمریکا واکنش شدیدی نسبت به اقدامات ایران نشان دادند به طوری که وزرای خارجه سه کشور فرانسه، آلمان و انگلیس اعلام داشتند که مذاکرات آنان با ایران به بن بست رسیده و خواستار ارجاع پرونده هسته ای کشور به شورای امنیت

شدند. همچنین وزرای خارجه پنج کشور عضو دائم شورای امنیت و آلمان (۵+۱) و نماینده اتحادیه اروپایی پس از نشست در لندن از شورای حکام آژانس خواستند موضوع هسته ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل گزارش کند. سرانجام شورای حکام آژانس ارجاع گزارش پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت را تصویب نمود.

جمهوری اسلامی ایران در واکنش به تصمیم شورای حکام آژانس تمامی همکاری‌های داوطلبانه خود با آژانس از جمله اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را متوقف ساخت. همچنین جمهوری اسلامی ایران در حضور بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پلمپ تأسیسات نطنز را برای از سرگیری غنی سازی اورانیوم شکست. از این پس آمریکا و اروپا سیاست دو پایه تشویق و تنبیه را در قبال جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفتند.

از جمله اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را متوقف ساخت همچنین جمهوری اسلامی ایران در حضور بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پلمپ تأسیسات نطنز را برای از سرگیری غنی سازی اورانیوم شکست. از این پس آمریکا و اروپا سیاست دو پایه تشویق و تنبیه را در قبال جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفتند. از یک سو، تمام توان دیپلماتیک خود را به کار گرفتند تا قطعنامه ای مبنی بر تحریم ایران در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب برسانند. از سوی دیگر تلاش کردند با پیشنهاد مشوقه‌های سیاسی - اقتصادی، جمهوری اسلامی را از تصمیم خود برای غنی سازی اورانیوم منصرف سازند (۱۳).

فلذا ۵+۱ بسته پیشنهادی جدیدی که مشوقه‌های اقتصادی اش ارزش و اهمیت بیشتری داشت - ارائه کرد. ولی در مورد غنی‌سازی اورانیوم و چرخه سوخت هسته ای ابهامات بسیاری داشت و آغاز مذاکرات را مشروط و موقوف به تعلیق کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی سازی کرد. علی‌رغم کاستی‌ها جمهوری اسلامی اعلام کرد یک ماه زمان برای کارشناسی و مذاکره مجدد نیاز دارد. اروپا و آمریکا این تصمیم ایران را سیاست وقت کشی خواندند. لذا بدون آنکه منتظر پاسخ جمهوری اسلامی بمانند با جلب حمایت و اجماع اعضای شورای امنیت قطعنامه ای را در مورد پرونده هسته ای ایران به تصویب رساندند (۱۴).

۴- نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از استراتژیک‌ترین و مهم‌ترین کشورهای نظام بین‌الملل شناخته می‌شود. این امر حتی در سالیان قبل از انقلاب نیز پذیرفته شده بود و تلاش کشورهای غربی برای تاثیرگذاری و حضور در ایران موید جایگاه مهم کشور در عرصه بین‌الملل است مولفه‌هایی چون وسعت سرزمینی، منابع سرشار نفت و گاز و دسترسی مناسب ایران به آب‌های بین‌المللی اهمیت آن را دو چندان می‌کند. بنابراین با وقوع انقلاب اسلامی منافع قدرتهای بزرگ که پیش از این به راحتی تامین می‌شد، حال منجر به قطع ید آنان از بزرگترین پایگاهشان در منطقه شده بود. تبدیل استراتژیک به دشمن شماره یک، کشورهای قدرت مند را به واکنش و موضع‌گیری علیه جمهوری اسلامی وا می‌داشت. از طرفی ماهیت انقلاب اسلامی نیز تقابل با قدرتهای بزرگ و استمارگران را تشدید می‌کرد. این تقابل و مواجهه با کشورهای غربی و آمریکا در راس آنان امنیت ملی جمهوری اسلامی را همواره در طول حیات خویش با مخاطرات گوناگونی روبه‌رو می‌سازد. دامنه این تهدیدات از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون ادامه داشته و اصل آن همواره امنیت ملی ایران را تهدید می‌کرده است. هر چند شدت و ضعف آن در دوره‌های مختلف به یک اندازه نبوده است. در پی این تهدیدات مستمر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز دستخوش تحولات و تغییراتی شده است. این تحولات در راستای همراهی و وفق دادن شرایط کشور با مقتضیات هر دوره زمانی است. این تحولات منجر به شکل‌گیری دوره‌های گفتمانی امنیت ملی جمهوری اسلامی شده است که آنها را در پنج دوره گفتمانی بررسی کردیم. گفتمان امنیتی هر دوره زمانی در عین ارتباط با دیگر دوره‌ها ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را متمایز می‌سازد. باید توجه داشت که تحولات گفتمانهای امنیت ملی به معنی عدول از ارزشها اصول و اهداف دوره قبل از خود نیست بلکه به جهت پر رنگ شدن یک وجه غالب در آن دوره است. بر این اساس گفتمانهای پنجگانه را تحت عنوان «گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی»، «گفتمان حفظ محور»، «گفتمان توسعه اقتصادی»، «گفتمان توسعه سیاسی فرهنگی» و «گفتمان عدالت محور تقسیم بندی نموده‌ایم.

اول؛ گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی که دامنه آن از ابتدای انقلاب اسلامی تا شروع جنگ تحمیلی را در برمی‌گیرد، به رغم اینکه همه ساختارهای که شور در دست انقلابیون نبود ولی به تدریج سیاستهای اعلامی و اعمالی جمهوری اسلامی مطابق تفسیرهای آنان شکل پذیرفت مهم‌ترین ویژگی این دوره علاوه بر حفظ حاکمیت اسلامی در بسط و گسترش ارزش‌ها و مفاهیم انقلاب اسلامی به سراسر جهان خلاصه می‌شد. در واقع پیوند دادن امنیت ملی ایران با امنیت امت اسلامی، سبب اتخاذ سیاستها و استراتژی‌های برون‌نگر و تقابلی با نظام بین‌الملل شده بود. سیاست صدور انقلاب نیز در همین راستا تحلیل می‌شود. ماهیت بسط‌نگر انقلاب اسلامی محدودیت‌ها و مرزبندی‌های ملی را نفی میکرد در نگاه کلان شاید انگیزه‌های جمهوری اسلامی در این دوره چندان محافظ‌منافع و به مصلحت‌کشور نبود. ضمن اینکه نبود بدیلی برای جمهوری اسلامی جهت الگوگیری نیز سبب می‌شد تا برخی ویژگیهای این دوره برای اولین بار در معرض سنجش و آزمون و خطا باشند. التهابات انقلابی در این دوره با هیچ کدام از دوره‌های بعدی قابل مقایسه نیست. اهداف امنیت ملی نیز با پیروی از همین احساسات و التهابات بسیار آرمان‌گرایانه بود. هدف نهایی در این گفتمان ایجاد جامعه‌ای ایده‌آل بر اساس اصول ارزشی و مکتبی اسلام در سطح امت اسلامی بود. در این دوره غلبه با وجوه نرم افزارانه قدرت در محاسبات امنیت ملی است. طبعاً انقلاب در درون کشور و مخالفت و طرد ساختارهای نظام بین‌الملل طیف وسیعی از تهدیدات را مواجه امنیت ملی کشور می‌کرد. با تجاوز نظامی عراق به خاک ایران به تبع آن گفتمان امنیت ملی کشور دچار تحولاتی گردید. حمله نظامی شدت تا تحولات گسترده‌ای در برخی وجوه ملاحظات امنیت ملی کشور پدید آید. یکی از این تحولات ناشی از تهدید مستقیم در مرزهای ملی بود که نگرش بدون مرز دوران قبل را لاجرم مجبور به بذل توجه به حفظ کشور و تامین امنیت آن در درون مرزها میکرد از طرفی اگرچه این نگرش نسبت به قبل تغییر کرده بود ولی جنگ تحمیلی نه تنها موجب کم‌رنگ شدن جنبه‌های ایدئولوژیک نظام نشد، بلکه به تشدید این امر دامن زد. رویکرد ایدئولوژیک اگرچه کاهش پیدا نکرد ولی در سطح تصمیم‌گیرندگان واقعیت‌های موجود به میزانی واقع‌گرایی را در ملاحظات امنیت ملی کشور دخیل می‌کرد. در اینجا امنیت امت اسلامی به تامین امنیت ملی کشور بدل گشت از طرفی جنگ موجب شد تا وجوه سخت‌افزاری نیز به پارامترهای امنیتی کشور اضافه شود، زیرا دفع تهدیدات نظامی که جمهوری اسلامی با آن مواجه بود دیگر صرفاً از طریق جنبه‌های معنوی ایدئولوژیک و نرم‌افزاری صورت نمی‌پذیرفت. هر چند در برداشت کلی ما شاهد تقلیل وجوه ایدئولوژیک نیستیم اما تا حدی برخی وجوه عملگرایی و واقع‌بینی نیز در ملاحظات امنیت ملی دخیل شد.

پایان جنگ تحمیلی آغازگر دوره‌ای جدید در کشور در همه جهات بود نگرش‌های نوینی در زمینه‌های مختلف به سطوح مختلف نظام تسری یافته بود در این دوره که از آن به توسعه اقتصادی نام برده می‌شود به دلیل کاسته شدن التهابات دوران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و برطرف شدن سایه جنگ از کشور، فضا را برای طرح مسائلی که در سال‌های پیشین مغفول مانده بود، گشود. در این راستا رویکرد برون‌نگر به درون‌گرایی تغییر یافت. امنیت ملی کشور در این دوره با مباحث اقتصادی گره خورد. در واقع توسعه ساختارهای اقتصادی به تقویت امنیت ملی تعبیر شد بازسازی خرابی‌ها و ترمیم خسارات ناشی از جنگ نیز به نوعی این سیاست را ایجاب میکرد استراتژیهای برون‌نگر جمهوری اسلامی در این دوره تبدیل به ساختن کشوری توانمند جهت الگو قرار گرفتن در نظام بین‌الملل بود. از طرفی توسعه اقتصادی نیازمند توسعه روابط با دیگر کشورهای نیز بود. همین امر موجب شد تا ملاحظات جدیدی در امنیت ملی کشور شکل بگیرد. تلاش برای تنش‌زدایی با کشورهای غیر متخاصم و همگرایی با کشورهای منطقه وجه بارز سیاستهای این دوره است. شدت واقع‌گرایی در رویکردها و نگرش جمهوری اسلامی و عمل ملی در درون مرزهای ملی تعریف می‌شد. در واقع این گفتمان حفظ و حراست از امنیت ملی را در سایه توسعه سیاسی میدید و آن را عاملی برای بالا بردن ضریب امنیتی جامعه می‌دانست. علاوه بر توسعه سیاسی در درون کشور، مفاهیم و گفتگو با نظام بین‌الملل به وجوه سیاستهای جمهوری اسلامی اضافه شد. در گفتمان توسعه سیاسی-فرهنگی مفاهیم و تعامل با دیگر کشورها و برقراری روابط مسالمت‌آمیز با آنان میتوانست مصالح کشور را تامین کرده و امنیت ملی را قوام ببخشد. این نگرش که وجه عینی آن طرح «گفتگوی تمدن‌ها بود نیازمند تنش‌زدایی و اعتماد سازی در سطح بین‌المللی و کسب اعتبار و وجهه بین‌المللی برای جمهوری اسلامی بود. از همین رو این امر به صورت اصلی نظام بخش برای این دوره تعریف شد. همکاری با

سازمانها و نهادهای بین المللی و مذاکره با کشورهای اروپایی در راستای همین امر است. این دوره البته با تهدیدهای جدی نیز مواجه شد حادثه ۱۱ سپتامبر و اشغال افغانستان توسط آمریکا، بحران عراق و تجاوز نظامی آمریکا به آن و طرح مساله هسته ای ایران در سطح بین الملل از مهم ترین تهدیدات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی است. اتخاذ سیاستهای مواجهه با این معضلات نیز با توجه به اصول این دوره صورت می گرفت. بنا بر همکاری و همگرایی بود. بنابراین برای حل و فصل این بحران ها که مستقیماً امنیت ملی را نشانه گرفته بود، مصالح و منافع ملی در ملاحظات امنیتی در نظر گرفته شد. اساساً کمرنگ شدن وجوه ایدئولوژیک علی رغم پایبندی به اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی از مشخصه های این دوره گفتمانی است. مفاهیم و تنش زدایی مستلزم کنار گذاشتن سیاستهای مقابله جویانه دوره قبل بود تا در قالب پذیرش اصول بین الملل به روندهای اعتمادساز ادامه دهیم این اعتمادسازی در فرایند پیگیری پرونده هسته ای نیز خود را نشان داد.

با روی کار آمدن آقای احمدی نژاد گفتمان امنیت ملی کشور تغییرات شگرفی کرد. در این دوره از سیاست ها و رویکرد دوره قبل انتقاد می شد و آن را ناموفق میدانست از نظر مسئولین این دوره سیاست تنش زدایی و همکاری با نظام بین الملل نتوانسته بود منافع ملی را تامین کند و بیش از پیش کشورهای غربی را در مواضع ضد ایرانی خود مستحکم کرده بود. در این دوره گفتمانی مجدداً شاهد اهمیت یافتن وجوه ایدئولوژیک انقلاب اسلامی هستیم اگر چه شدت آن به نسبت دوره گفتمانی آرمان گرایی اسلامی و حفظ محور کمتر بود ولی به نوعی بازگشت به پیروی از آن اصول تعبیر می شد. محور قرار گرفتن عدالت چه در داخل مرزهای ملی و چه در نظام بین الملل عدالت گستری را به هدف اول امنیت ملی کشور بدل ساخت. مقابله با استکبار جهانی و حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان از اهداف این دوره بود. اساساً از منظر گفتمان این دوره امنیت ملی جمهوری اسلامی زمانی تامین میشود که رویه های ناعادلانه بین المللی جای خود را به عدالت گسترده در عرصه جهانی بدهد طرح گفتگوهای انتقادی با آمریکا یکی از ابزارهای مسئولان بود. توجه به کشورهای جهان سوم در قالب سیاست عدم تعهد و تجدید نظر طلبی نسبت به تعاملات جمهوری اسلامی با دیگر کشورها نیز ابزار دیگری در سیاستهای این دوره است. یکی از تهدیدات امنیت ملی که از دوره قبل به این دوره رسیده بود بحث پرونده هسته ای ایران بود. رویکرد گفتمان عدالت محور در حق مسلم پنداشتن فناوری صلح آمیز هسته ای برای جمهوری اسلامی بود. فلذا برخلاف دوره قبل که سعی داشت این تهدید امنیت ملی را از طریق مذاکرات و همکاری با نهادهای بین المللی من جمله آژانس بین المللی انرژی اتمی و امضای تعهدات و موافقت نامه ها دفع کند، در این دوره جمهوری اسلامی بنا را بر ادامه فعالیتهای هسته ای ولو به قیمت افزایش و تشدید تحریم ها گذاشت. ضمن ادامه دار بودن مذاکرات در این دوره به موازی آن فعالیتهای تعلیق شده از سر گرفته شد. نگرش این دوره گفتمانی بودن مذاکرات در این دوره به موازی آن فعالیتهای تعلیق شده از گرفته شد. نگرش این دوره گفتمانی به انرژی هسته ای به مثابه عاملی برای تقویت امنیت ملی بود. همان طور که بررسی شد گفتمانهای امنیت ملی جمهوری اسلامی در طول حیات آن هم شاهد تغییرات و تحولات بوده و هم ثبات و استمرار خود را حفظ کرده است. ثبات آن در حفظ اصول اسلامی و ارزشهای انقلابی بوده است که در تمامی دوره های جمهوری اسلامی به صورت اصلی نظام بخش و سرمشقی دائمی تصمیم گیرندگان و آحاد مردم جامعه بوده است. نپذیرفتن ظلم و مقابله با زورگویی در راس آن امریکا و حمایت از مستضعفین و مسلمانان همواره با قوت و ضعف در همه گفتمانهای امنیت ملی جمهوری اسلامی حضور داشته است. از طرفی تغییر و تحولات نیز برای وفق دادن با شرایط و مقتضیات زمانی همواره وجود داشته است. همه این تحولات نیز علی رغم تفاوت هایی که با یکدیگر دارند در چارچوب نظام تعریف شده اند. تحول از درون نگری به برون گرایی آرمان گرایی به واقع بینی مصلحت اندیشی در مقابل حقیقت طلبی، تغییر نگاه است اسلامی به مرزهای ملی اولویت توسعه اقتصادی و یا اولویت توسعه فرهنگی بخشی از روندهای تغییرات گفتمانی امنیت ملی در دوره های مختلف جمهوری اسلامی ایران بوده است.

منابع

۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، وهاب‌پور، پیمان. امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۴.
۲. هادیان، ناصر، هرمزی، شانی، «نقش سیستم دفاع موشکی در ایجاد بازدارندگی هسته‌ای؛ بررسی رفتار امنیتی-نظامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره سوم (پاییز ۱۴۰۰): ۷۴-۴۹.
۳. عبدالله‌خانی، علی. نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۲.
۴. احتشامی، انوشیروان. سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی اقتصاد، دفاع، امنیت، ابراهیم متقی، زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
۵. تاجیک، محمدرضا. مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، رهیافت‌ها و راهبردها، جلد هشتم، تهران: فرهنگ گفتمان، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۹.
۶. رنجبر، مقصود. ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۸.
۷. نوری، وحید، دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
۸. افتخاری، اصغر. «حوزه ناامنی - مبانی فرهنگی مدیریت استراتژیک و امنیت داخلی در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوم، شماره سوم (بهار ۱۳۹۸): ۵۶-۱۹.
۹. سرزعی، علی. پوپولیسم ایرانی: تحلیل کیفیت حکمرانی محمود احمدی‌نژاد از منظر اقتصاد و ارتباطات، تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۵.
۱۰. افتخاری، اصغر. امنیت، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد»، دوفصلنامه دانش سیاسی، سال چهارم، شماره پنجم (بهار و تابستان ۱۳۹۶): ۹۸-۶۷.
۱۲. ولی‌پور زرومی، سیدحسین. سیر تحول در مقوله و ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۸.
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
۱۴. رضایی، سیدکاظم. تحول مفهوم امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۹۶)، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶.